

بیانات در دیدار هزاران تن از معلمان و فرهنگیان - 27 / اردیبهشت / 1404

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الاطيبين
الاطهرين المنتجبين سيّما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز! این دیدار سالیانه‌ی ما با معلمان محترم و مسئولان آموزش و پرورش کشور به قصد عرض ارادت به معلمان است؛ یعنی حقیر مایلم با تشکیل این جلسه و حرفه‌ای که زده میشود، قدردانی خودم و ارادت خودم به جامعه‌ی معلمان را به این وسیله ابراز کنم. البته این جلسه فرصتی است که برخی از مسائل آموزش و پرورش هم مطرح بشود که خب بحمدالله آقای وزیر، به نظر من، مهم‌ترین مسائل آموزش و پرورش را مطرح کردند. این را باید شکرگزار باشیم که در این دوره، بخصوص رئیس‌جمهور محترم، (۲) به مسائل آموزش و پرورش اهتمام ویژه‌ای ابراز میکنند. بنده بارها تکرار کرده‌ام که ما هر چه برای آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری کنیم، این در واقع سرمایه‌گذاری است، هزینه نیست؛ مثل ایجاد یک زمینه برای سود چند برابر است. خوشبختانه رئیس‌جمهور محترم به این معنا معتقدند. وزیر محترم هم جزو مدیران برجسته‌ی آموزش و پرورش هستند؛ ایشان هم کاملاً با مسائل آموزش و پرورش آشنایند. اینها فرصت است. امیدواریم از این فرصتها استفاده بشود.

[طبق] آنچه ایشان بیان کردند، بعضی از کارها شروع شده، بعضی از کارها بنا است شروع بشود. تأکید من، توصیه‌ی من این است که «پیگیری» را اصل بدانید؛ من همیشه به مدیران و مسئولین کشور این توصیه را دارم. خیلی از مسئولین می‌آیند اینجا، حرفه‌ای خوبی می‌زنند، صحبت‌های خوبی میکنند لکن خروجی آن حرفها دیده نمیشود. پیگیری کنید که این فکرهای خوب، این نظرات درست و دقیق نسبت به آموزش و پرورش یکایک پیگیری بشود و تحقق پیدا کند. البته ما در مورد آموزش و پرورش دنبال نتایج کوتاه‌مدت نیستیم؛ طبیعت آموزش و پرورش این نیست، امّا حرکت و روال باید نشان بدهد که ما چه کار داریم میکنیم، به کجا داریم میرویم. من دو سه نکته در مورد معلمان عرض بکنم؛ چند نکته هم راجع به اصل آموزش و پرورش یادداشت کرده‌ام که عرض کنم.

در مورد معلم، یک نکته این است که همه‌ی دستگاه‌های کشور وظیفه دارند معلم را گرامی بدارند؛ این مسئله‌ی کوچکی نیست، این تعارف نیست؛ این در حرکت عمومی کشور تأثیر دارد. گرامیداشت معلم لازم است. حالا گرامیداشت، از مساعدتهای معیشتی و مالی و مانند این چیزها - که اسم آوردند - شروع میشود، تا ساخت افکار عمومی؛ یعنی ما در افکار عمومی باید ابتکاراتی به خرج بدهیم که معلم یک چهره‌ی زیبای بانشاط دوست‌داشتنی‌ای در چشم آحاد مردم باشد، به طوری که اگر به کسی، به جوانی گفتند که در این فهرست شغلها کدام را انتخاب میکنی، نگذارد معلم را رده‌ی آخر؛ گاهی این‌جوری است. وقتی [معلمی] جاذبه نداشت، آن که دنبال شغل است، اصلاً به فکر معلمی نمی‌افتد، مگر مجبور بشود. ما باید بعکس کنیم؛ باید این گرامیداشت به نحوی باشد که در افکار عمومی علاقه‌ی به معلم و چهره‌نگاری معلم آن‌چنان باشد که جذاب باشد؛ مردم معلم را به صورت یک موجود فعال، پرتلاش، بانشاط، موفق، باافتخار، سرافراز ببینند؛ البته اینها راه دارد؛ اینها کارهایی است که با گفتن و تذکر دادن حل نمیشود، اهل فتنش باید بنشینند [فکر کنند]؛ کار رسانه‌ای لازم دارد، کار هنری لازم دارد؛ فیلم بسازند، کتاب تولید کنند. همچنان که ما درباره‌ی مثلاً یک شهید یک کتاب تولید میکنیم [که وقتی] انسان میخواند عاشق آن شهید میشود، کتاب درباره‌ی رفتار یک معلم - مثلاً به صورت رمان - تولید کنیم که وقتی انسان آن کتاب را

خواند، عاشق معلم بشود. پویانمایی، فیلم، سریال، کارهای گوناگونی از این قبیل – کارهای رسانه‌ای – اینها به عهده‌ی دستگاه‌های دولتی، صداوسیما، دستگاه‌های هنری، وزارت ارشاد و امثال اینها است؛ این [کارها] باید بشود. چه کسی دنبال کند؟ آموزش و پرورش؛ یکی از کارهای آموزش و پرورش این است که این را دنبال کند. هدف هم چهره‌نگاری شایسته‌ی معلم [باشد]. این مطلب اوّل.

اگر این کار را ما توانستیم بدرستی انجام بدهیم، اوّل خود آن معلّمی که داخل کلاس مشغول درس است، احساس سرافرازی میکند، دیگر احساس خستگی نمیکند؛ ثانیاً – همین‌طور که گفتیم – آن جوان با استعدادی که دنبال کار میگردد، جزو اوّلین کارهایی که به ذهنش می‌آید، معلّمی است؛ افراد با استعداد وارد میدان کار تعلیم میشوند، سطح کار معلّمی بالا میرود. این یک نکته در مورد معلّم.

نکته‌ی بعدی درک خود معلّم از فعالیت و کاری است که مشغول است؛ اینجا دیگر مخاطب، خود شما عزیزان و معلّمین سراسر کشور هستید. معلّم باید این توجّه را داشته باشد که فقط کتاب درسی نیست که او به شاگرد در کلاس درس میدهد؛ معلّم با شیوه‌های گوناگون، دانسته و ندانسته، روی دانش‌آموز خود اثر میگذارد. شما با اخلاقتان، با رفتارتان، با نحوه‌ی حضورتان در کلاس، با نحوه‌ی برخوردتان با دانش‌آموز، با کیفیت درس دادنتان، با تواضعتان یا تکبرتان، با نشاط و پشتکارتان یا بی‌حالی و بی‌رغبتی‌تان، روی دانش‌آموز اثر میگذارید و او تحت تأثیر قرار میگیرد. یکی از عوامل تأثیرگذار بر روی شخصیت جوان و نوجوان عبارت است از «معلّم»؛ همچنان که مادر اثر میگذارد، پدر اثر میگذارد، در یک مواردی و در یک برهه‌ای از زمان، معلّم بیشتر از پدر و مادر روی دانش‌آموز اثر میگذارد. خوب، با این درک، با این فهم سر کلاس بروید؛ بدانید چه تأثیری روی مخاطب خودتان دارید. این طبعاً شما را وادار میکند به مراقبتهایی در رفتار خود، در گفتار خود، در نوع عملکرد خود. این هم یک نکته.

نکته‌ی آخر در باب معلّم، مسئله‌ی دانشگاه فرهنگیان و مراکز تربیت معلّم است. البته [وزیر محترم] توضیح دادند، نکاتی را گفتند که خوب بنده هم اطلاعات متفرّقی از مسائل آن دانشگاه دارم. دانشگاه فرهنگیان مهم است؛ اوّل دانشگاه فرهنگیان متعلّق به آموزش و پرورش است؛ اینکه حالا گاهی بین بعضی از محافل صحبت شد که این را ملحق کنند به فلان دانشگاه دیگر، به مصلحت نیست؛ این مال آموزش و پرورش است و باید در اختیار آموزش و پرورش باشد. دانشگاه فرهنگیان محلّ تربیت همان عنصری است که آن‌همه تأثیرات را دارد. زمان شهید رئیسی (رضوان الله تعالی علیه) برای گزینش، محدودیتهای و ضوابطی تعیین شد؛ نگذارید این ضوابط ضعیف بشود. کیفیت کار در این دانشگاه باید جوری باشد که ساخت «معلّم تراز و مورد نیاز» در آن ممکن باشد و تحقق پیدا کند؛ لذا خیلی اهمیّت دارد. این دانشگاه باید محلّ رفت و آمد برترین اساتید علمی و ایمانی و اخلاقی و رفتاری باشد؛ [باید] شخصیت‌های برجسته‌ی علمی، شخصیت‌های برجسته‌ی اخلاقی و فکری و فرهنگی در این دانشگاه رفت و آمد داشته باشند؛ این دانشگاه جای بسیار مهمّی است. بنده مکرّر در سالهای متعدّد روی این دانشگاه تکیه کرده‌ام، الان هم تکیه میکنم و اصرار دارم که نگذارید این دانشگاه ضعیف بشود. هر چه میتوانید در تصحیح رفتار دانشگاه فرهنگیان تلاش کنید. خوب، این راجع به معلّم.

راجع به مسائل آموزش و پرورش، بنده چند نکته را یادداشت کرده‌ام؛ البته حرفهای گفتنی و نکات تذکراتی بیشتر از اینها است، که من حالا یک چند نکته را اینجا یادداشت کرده‌ام که عرض کنم به شما.

نکته‌ی اوّل این است که آموزش و پرورش یک نهاد حکومتی است. وظیفه‌ی دولت اسلامی است که جوان و نوجوان را تا یک مقطعی لااقل – حالا مثلاً تا آخر مقطع دبیرستان – با علم، با فن، با حرفه، با معارف، با ایمان بالا بیاورد؛ این، وظیفه است. اینکه در گوشه و کنار، حتّی در خود آموزش و پرورش – آن‌طور که من از قبل در ذهنم هست –

زمزمه‌هایی به وجود می‌آید که بخشهایی از آموزش و پرورش را بسپریم به این و آن، یعنی یک ملوک‌الطوایفی درست کنیم در آموزش و پرورش، این اصلاً معنی ندارد. حاصل، تربیت فکری و فرهنگی نسل نو، مربوط به دولت است، وظیفه‌ی دولت است و حقّ دولت است. دولتها هستند که بایستی این کار را انجام بدهند؛ بنشینند بر اساس موازین، بر اساس ارزشها، بر اساس اصول، آموزش و پرورش را بسازند و جوانهای کشور را هدایت کنند. اینکه ما فلان سلیقه را، فلان انگیزه را حاکم کنیم [صحیح نیست]. سالهای پیش، مکرّر بعضی از افراد مسئول سطح بالا پیش من می‌آمدند، اصرار [میکردند]؛ دلیلشان هم این است که چون بودجه‌ی آموزش و پرورش زیاد است، روی دوش دولت سنگینی میکند. آموزش و پرورش افتخار دولت است؛ دولت هر چه بتواند خرج آموزش و پرورش بکند، باید افتخار کند. چون هزینه‌ی آموزش و پرورش زیاد است، ما بیاییم آموزش و پرورش را از دست دولت خارج کنیم؟ به من اصرار میکردند که من موافقت کنم، بنده قاطع رد کردم. اگر در مراکز تصمیم‌گیری در درون آموزش و پرورش کسانی هستند که یک چنین عقیده‌ای دارند، حتماً بایستی عقیده‌شان را عوض کنند. آموزش و پرورش مال دولت است، متعلق به دولت است، زیر کلید دولت است. هم دولت موظف است و باید پاسخگو هم باشد، و هم افتخار دولت این است که بتواند یک آموزش و پرورش خوب را در کشور به وجود بیاورد و رشد بدهد. این نکته‌ی اوّل.

نکته‌ی دوّم در مورد ساختار آموزش و پرورش است. عزیزان من! میلیون‌ها دختر و پسر از شش ساله تا هجده ساله سروکارشان با آموزش و پرورش است، در اختیار آموزش و پرورشند؛ اگر این نسل نو، این جمعیت عظیم میلیونی خوب تربیت نشوند، ما پیش خدا و پیش آیندگان چه جوابی داریم؟ ساختار آموزش و پرورش باید به نحوی باشد که به معنای واقعی کلمه اینها را از لحاظ علمی – علم نافع – و از لحاظ فرهنگی و ایمانی و پرورشی تربیت کند. البته اینجا یک نمایشگاهی بود، آقایان تنظیم کرده بودند، من قبل از آمدن به جلسه نگاه کردم، دیدم خوشبختانه به برخی از این مسائل مورد نیاز در این ساختار توجه شده. با دقت باید این قضیه دنبال بشود؛ ساختار فعلی و قدیمی آموزش و پرورش جوابگو نیست. در برنامه‌ی هفتم، یکی از وظایفی که به عهده‌ی دولت گذاشته شده، طراحی ساختار جدید سازمانی آموزش و پرورش است؛ این جزو وظایف است که خب کارهایی هم شده و دارد انجام میگیرد. این را مغتنم بشمرید. آموزش و پرورش ایران اسلامی ساختار مخصوص به خودش را لازم دارد، با توجه به همه‌ی جهات. این شکل مناسب، این قواره‌ی لازم، این ساختار لازم و مورد نیاز را، که حتماً باید تحوّل باشد و متناسب با نیازها باشد، به بهترین وجهی دنبال کنید.

البته نسخه‌ی ترمیم‌شده‌ی سند تحوّل – آن‌طور که شنیدم – الان در دستور کار است و مشغول مطالعه و کار هستند، خیلی خوب؛ هم این نسخه را به معنای واقعی کلمه ترمیم کنید، هم نقشه‌ی راه انجام این نسخه‌ی تحوّل را – که در زمان دولت شهید رئیسی شروع شد، نقشه‌ی راه را تذکر داده شد، دنبال کردند، کار کردند – نگذارید نیمه‌کاره بماند، نگذارید متوقف بشود. باید با مهارت عمل کرد، باید با تعهّد عمل کرد؛ یعنی آن کسانی که ساختار متناسب آموزش و پرورش را دارند تنظیم میکنند، این نیاز را دارند که اوّلاً ماهر باشند، آموزش و پرورشی باشند، بشناسند؛ ثانیاً متعهّد باشند؛ متعهّد به دین، متعهّد به استقلال کشور. این ساختار جدید باید بتواند جوان و نوجوان ما را عالم، بالیمان، ایران‌دوست، اهل کار و تلاش، امیدوار به آینده تربیت کند؛ باید بتواند این را از آب دربیآورد.

یک نکته هم در مورد کتاب درسی است. خب، این دو عنصر «معلم» و «کتاب درسی» در کنار هم، در واقع همه‌کاره‌ی آموزش و پرورشند. کتاب درسی خیلی مهم است. بنده در باب کتاب درسی، چندین بار تا حالا – هم به طور عمومی در این جلسات معلمان و آموزش و پرورشی‌ها، هم در جلسات خصوصی با مسئولین آموزش و پرورش گذشته – توصیه کرده‌ام، تأکید کرده‌ام؛ یک کارهایی هم کرده‌اند؛ حالا فرض کنید مثلاً من باب‌مثال اسم یک دانشمند اسلامی را داخل کتاب اضافه کنند، یا مثلاً یک چند برگ اسناد لانه‌ی جاسوسی را – که ما تذکر دادیم – بیاورند؛ اینها کافی نیست؛ اینها لازم است امّا کافی نیست؛ کتاب بایستی بتواند دانش‌آموز را پرورش بدهد، بار بیاورد. اوّل کتاب باید

جذاب باشد؛ شما الان اگر مراجعه کنید به جوان و نوجوان دانش آموز - چه در دبستان، چه در دبیرستان - می بینید که کتاب درسی برایش یک چیز شیرین و جذاب نیست؛ محتوا باید جذاب باشد؛ یعنی سنگین ترین مباحث علمی را میشود با شیرین ترین بیان منعکس کرد؛ این جوری است دیگر. خب عمر ما سالها در کار درس و گفتن و شنفتن و مانند اینها گذشته؛ سنگین ترین مباحث علمی را میتوان با زبانهای ساده، شیرین و مطلوب مستمع بیان کرد. این یک [مسئله]، در مورد محتوا. بعد شکل ظاهر؛ قالب کتاب، شکل ظاهری کتاب را با سلیقه، با ابتکار، زیبا، مطابق با اصول زیباشناسی [طراحی کنید]. الان این جور نیست؛ الان شکل و قالب کتابهای درسی ما شکل جذابی ندارد. بنابراین یکی از موضوعات مهم، مسئلهی کتاب درسی است. پس یک موضوع هم شد مسئلهی کتاب. آن کسانی که کتاب را تهیه میکنند، آن مؤسسه‌ای که موضوعات کتاب را تنظیم میکند و تهیه میکند، باید صد درصد ایمان دینی و ایمان سیاسی و تعهد لازم را به اصول و مبانی و ارزشهای اسلام و انقلاب داشته باشد. این جور افرادی بیایند و کتاب را تنظیم بکنند. این هم یک نکته.

دو سه نکته‌ی دیگر هم هست که من دیگر نمیخواهم خیلی تفصیل بدهم. در مورد رشته‌های فنی و حرفه‌ای که یکی از توصیه‌های همیشگی ما است، حالا اشاره کردند که میخواهند رقم را به پنجاه درصد برسانند؛ خوب است، لکن هر چه میتوانید این رشته‌های فنی و حرفه‌ای را و کسانی که در زمینه‌های فنی کار میکنند، درس میخوانند، زحمت میکشند و زودتر به بازار کار میرسند و بیشتر به درد بازار کار میخورند و [باعث] جلوگیری از بیکاری جوانها میشوند، بیشتر دنبال کنید.

یک نکته، مسئلهی عدالت آموزشی است که خب بحمدالله در زبان مسئولین کشور زیاد تکرار میشود، بنده هم عقیده‌ی راسخ دارم به عدالت آموزشی، اما توجه داشته باشید معنای عدالت آموزشی این نیست که ما از استعداد برتر غفلت کنیم. بعضی‌ها در فهم عدالت آموزشی اشتباه میکنند. یک پدیده‌ای مثل سمپاد (۳) نیاز کشور است؛ این جور پدیده‌ها نیاز کشور است. شما باید بگردید جوان بااستعداد را پیدا کنید، مطابق با استعدادش به او کمک کنید که پرواز کند، رشد کند. بعضی هستند خب میتوانند حرکت بیشتری بکنند، میتوانند با وقت‌گذاری کمتر، سهم بیشتری از دانش را در ذهن خودشان و مغز خودشان جای بدهند؛ اینها را نمیشود رها کرد؛ نمیشود اینها را وادار کرد در همان جریان عمومی حرکت کنند؛ نه، این به هیچ وجه مخالف عدالت آموزشی نیست. عدالت یعنی هر چیزی را بر سر جای خودش گذاشتن؛ این معنای عدالت [است]. آن کسی که توانایی یادگیری بیشتری دارد، به او بیشتر یاد دادن، عدالت است. اگر شما به آن کسی که توانایی یادگیری بیشتری دارد، کمتر یاد دادید، خلاف عدالت رفتار کرده‌اید.

نکته‌ی آخر هم در مورد مسئلهی [معاونت] پرورشی است که جزو حرفهای همیشگی و اصرارهای همیشگی ما است و کسانی با غفلت، با بی‌توجهی، یک دوره‌ای مسئلهی معاونت پرورشی را مغفول‌عنه قرار دادند، حذف کردند، بی‌اعتنائی کردند؛ استدلالهای غلطی هم مطرح کردند در این زمینه که رد شد. خب خوشبختانه امروز من دیدم وزیر محترم راجع به مسائل پرورشی و معاون پرورشی و مانند اینها توضیحاتی دادند؛ این را ان شاءالله دنبال کنید، به بهترین وجهی این کار انجام بگیرد. اینها راجع به آموزش و پرورش.

یک کلمه هم در مورد حرفهایی سیاسی‌ای که این چند روز در فضای منطقه و بین‌المللی مطرح شده، عرض کنیم. بعضی از این حرفهایی که در این سفر رئیس‌جمهور آمریکا به منطقه مطرح شد، اصلاً لایق جواب دادن نیست؛ این قدر سطح حرف پایین است که مایه‌ی سرافکندگی گوینده‌ی حرف و مایه‌ی سرافکندگی ملت آمریکا است؛ آنها را کار نداریم. لکن روی یکی دو جمله باید توجه بکنیم.

ترامپ گفت که میخواهد از قدرت برای صلح استفاده کند؛ دروغ گفت. ایشان و مسئولان آمریکایی، دولتهای آمریکا

از قدرت استفاده کردند برای قتل عام غزه، برای جنگ افروزی در هر جایی که بتوانند، برای حمایت کردن از مزدوران خودشان ؛ از قدرت این استفاده را کردند. کی از قدرت برای ایجاد صلح استفاده کردند؟ بله، از قدرت میشود برای صلح و امنیت استفاده کرد ؛ به همین دلیل هم هست که ما به کوری چشم دشمنان، هر روز بر قدرت خودمان و قدرت کشور ان شاء الله اضافه خواهیم کرد. اما آنها این کار را نکردند ؛ آنها از قدرت استفاده کردند برای اینکه بمب های ده تنی را بدهند به رژیم صهیونی، بریزد روی سر کودکان غزه، بیمارستان ها، خانه های مردم در لبنان و در هر جا که بتواند. این یک نکته.

رئیس جمهور آمریکا به این کشورهای عربی یک الگویی را پیشنهاد میکند که به قول خود او، با این الگو این کشورها بدون آمریکا ده روز هم نمیتوانند زندگی کنند ؛ این جوری گفت دیگر ؛ گفت اگر آمریکا نباشد، اینها ده روز نمیتوانند خودشان را نگه دارند ؛ آمریکا اینها را نگه میدارد. حالا هم در معاملات خود، در رفتار خود، در پیشنهادهای خود همین الگو را به اینها دارد مجدداً ارائه میدهد و تحمیل میکند، جوری که اینها بدون آمریکا نتوانند زندگی کنند. مطمئناً این الگو شکست خورده است. به همت ملت های منطقه، آمریکا از این منطقه باید برود و خواهد رفت. حتماً در این منطقه آن نقطه ی مایه ی فساد، مایه ی جنگ، مایه ی اختلاف، رژیم صهیونی است. رژیم صهیونی که غده ی سرطانی خطرناکِ مهلکِ این منطقه است، حتماً باید برکنده شود و خواهد شد.

جمهوری اسلامی اصول مشخصی دارد، منظومه ی ارزشی معینی دارد، با همه ی فرازونشیب هایی که در پیرامون ما اتفاق افتاده، بر این اصول تکیه کرده و کشور را پیش برده. امروز ایران، ایران سی سال قبل و چهل سال قبل و پنجاه سال قبل نیست. امروز به توفیق الهی، به فضل الهی، به کوری چشم دشمنان، به رغم انف (۴) دیگران، ایران پیشرفت کرده است و چندین برابر این باز هم ان شاء الله پیشرفت خواهد کرد، و این را همه خواهند دید ؛ جوانهای ما، به بهترین وجهی، این را خواهند دید و ان شاء الله در ساخت ایران اسلامی مطلوب همه همکاری خواهند کرد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، آقای علیرضا کاظمی (وزیر آموزش و پرورش) گزارشی ارائه کرد.

(۲) آقای دکتر مسعود پزشکیان

(۳) سازمان ملی پرورش استعداد های درخشان

(۴) برخلاف میل و خواسته